

Göresjeň insan Ärzaneşin janına kast edildi

9-nji aprelda sagat 18 töwereklerinde Eyran Türkmenlerinden bolan siyasi emigrant Welmuhommet ahyn Ärzaneş Aşgabatda şähründe üç yerinden hanjar

4-nji aprelda onuň ýaşayan kwartirasınıň girişindäki çiralarini elektrik simi kesilipdir. 7-nji aprelda bolsa bir näbelli adam gapini kakipdir. Ahun aga gapini açanda lifiden(asansordan) yene 2 sani talip düşüpdür. Taliplari görüp aljiran yaňki adam "meň bir ikiçäk gürrüňim bardı, soňra siziň öyde yeke wagtıňiz gelerin" diyip gidipdir.

9-nji aprelda bolsa şol adam jaň edip, Ahun aganiň öyde yekedigine göz yetirensoň, salim bermän gelipdir. Ol özüniň 10 yıl bári bir ayal bilen nikasiz yaşayandığını, indi bolsa nika gidirmegi bahanalap gelipdir. Öy eyesi onuň nirden gelendigini anklansoň: "Sen nika gidirjak bolsaň, seniň obaň Köşide seni we maşgalatı tanayan mollalar bardır, nikani şolar giysa gowi bolar" diyip, onı ugratmakçı bolupdir. Enma gapini agzına baranlarında yaňki çagırılmadık mışman öz yanından bir ullağan hanjari çikarip, Ahun aganiň gursagini nişanalap urupdir. Ol bolsa hanjariň gursaga yüzleyrök, çümmeden, iýza çekilip, çalt hareket edip sipipdir. Gözüne gan inyen eli hanjarlı adam bolsa, bir-iki gezek hanjari çalt bulap, öy eyesiniň çep elini yaralapdir. Şol aralıkda-da: "Seni öldürmek için maňa pata berip iýberdiler, men seni hökman öldürmeli" diyip, hanjarnı Ahun aganiň kellesine gönükdirip bulaylap ugrapdir. Yaňagina gilitiz degen hanjardan sipip, özüni aşöye atan Ahun aga, özüni goramak maksadı bilen, et çapıyan paltanı garbap alıpdir. Paltanı görüp, yeli yatan ol adam öldürmek niyetiniň başa barmajakdığını aňıp, öyden çikip, gaçıp gidipdir.

Ahun aga Türkmenistanda özüniň hiç kim bilen dawa: inini, öyk-kinisiniň yokdugini aydıp, bu wakada hiç hili şaxsi gatnaşıldarini daxili yokdugini we bolup-da bilmejegini niytayar. Hanjar bilen paltanıň oynunini deň daldigine akil yetirip, gaçmagı başaran adamini akilini düzöwdigi-de şek-şüphesidir diyip, ol belleyar.

Ahun aga 1978-nji yilda Eyran Türkmenleriniň avtonomiya ugrundaki hareketlere yolbaşçılık eden adam. 1990-nji yilda bolsa, ölüm howuplı iýzarlanmalardan gaçıp, Türkmenistanı penalap gelen.

Türkmenistanda yaşayan Eyranlı türkmen emigrantlari
23.04.1997

GEÑEŞ, jenap Ärzaneşin janına edilen namartlarça terror hüjümini kınayar we çalt wagtıň içinde bu yawuz işiň haysi niyet bilen amala aşırlandığınıň açıklanmagını Türkmenistan döwletinden isleyär.

جنبش جمهوری	۲ ص	نقد کتاب (۲)	۹ ص
اعلامیه کانون	۳ ص	انه ديليميز	۱۰ ص
یک تجربه...	۵ ص	رویدادهای تاریخ	۱۲ ص
اقدامی بزرگ(۲)	۷ ص	در این شماره	

بیاد نخستین جمهوری ترکمنستان جنوبی

بیستم ماه مه ۱۹۹۴/۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۳ اعلام تشکیل جمهوری مستقل ترکمنستان جنوبی می باشد. ملت ترکمن پس از سالها مبارزه قهرمانانه موفق به تشکیل جمهوری در قسمت جنوبی سرزمینمان گردید. در این نبرد جانانه روشنفکر انقلابی عثمان آحون و سردارانی چون نفس-سردار، اللهیارخان، گوگی صوفی مردانه پای در میدان نبرد گذاشتند.

حکومت وابسته تهران که از مبارزات ملی-دمکراتیک ملت ترکمن به وحشت افتاده بود برای درهم شکستن این جنبش اولتیماتومی مبنی بر تسلیم سلاح و پذیرفتن رژیم تهران اعلام کرد. رهبران جنبش "قورولتای گنگش" (کنگره مشورتی) خویش را در ۲۰ مه در روستای اومجالی تشکیل دادند. در این کنگره که تمامی سران طوایف و ریش سفیدان ترکمن حضور داشتند، اولتیماتوم تهران رد، و مقاومت در برابر زور به تصویب رسید. همچنین در این نشست عالی جمهوری ترکمنستان رسماً اعلام و عثمان آحون به ریاست جمهوری نخستین جمهوری ترکمنستان جنوبی انتخاب و طبق رسم ترکمن وی را بر نمد سفیدی نشانده سوار بر دستان سه بار دور میل گنبد قابوس گردانند.

جمهوری دمکراتیک ترکمنستان جنوبی با دیگر انقلابیون نظیر آتاتورک و جنبش جمهوریخواهان گیلان بسرکردگی میرزا کوچک خان روابط صمیمانه ای برقرار کرد. جمهوری ترکمنستان جنوبی برنامه-های عالی برای گسترش زبان و ادبیات ترکمنی، بالا بردن روحیه ملی و استقرار نظام ترکمنی تدارک دید. رژیم تهران بمنظور زدن ضربه نهایی ۴ تیپ قشون سراپا مسلح خویش را بسرکردگی ژنرال فضل الله-زاهدی به سرزمین ترکمن روانه کرد. قوای رضاخان با درهم شکستن مقاومت ملت ترکمن و با گذشتن از روی اجساد مبارزین در اکتبر ۱۹۲۵/آبان ۱۳۰۴ وارد گنبد قابوس شد و به این ترتیب نخستین جمهوری ملت ترکمن سرنگون گردید. اگر چه سران قیام با مبارز بزرگ قایغیسز آتابای نخستین رهبر جمهوری ترکمنستان شمالی تماسهایی مبنی بر ارسال کمک گرفتند ولی دستان شوونیسم فارس و روس که برای درهم شکستن انقلاب ملت ترکمن بکار افتاده بود، مانع از ارسال قشون و قوا به سرزمین اترک-گرگان گردید.

بار دیگر فرارسیدن سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان جنوبی را به پویندگان آن رادمردان تبریک گفته، در مقابل روح بزرگ بنیانگذاران این جنبش سر تعظیم فرود می آوریم.

پیش بسوی برگزاری کنفرانس سراسری مبارزین ترکمن!

جنبش جمهوریخواهی در ترکمنستان جنوبی

خارجة شوروی در امور آسیای میانه در ۲۱ آگوست ۱۹۲۴ به معاون صدر دفتر آسیای میانه ای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی چنین گزارش داد: "ترکمنهای ایران جمهوری مستقل خویش را در خاک ایران اعلام کردند. اعلام این جمهوری پیامد مبارزه اخیر میان ترکمنها و حکومت ایران است که برای خلع سلاح کامل آنان می کوشید." رئیس جمهور عثمان آخون همچنین از سفیر انگلستان در تهران سرپرسی لورن تقاضا نمود که از خلق ترکمن در میان دو آتش-شوروی و ایران- دفاع نماید.

یورش حکومت مرکزی به ترکمنستان جنوبی

حکومت ایران از وحدت ترکمنها و بیکاری که با آنان در پیش بود نگران شده بود. برای رضاخان که در این هنگام برای برداشتن گام نهایی یعنی تصاحب تاج و تخت شاهی آماده میشد، پیروزی در ترکمنستان ضروری بود. به این ترتیب عملاً راههای مختلف برای از میان برداشتن جمهوری مستقل و ملی ترکمن آزموده می گشت. در آغاز ژوئن ۱۹۲۴ نیروهای تقویتی حکومت اعزام گردید. مهدی خان با سی هزار سوار قصد تصرف پایگاه ماراودافه را داشت که با شکست روبرو شده به جنورد گریخت.

عثمان آخون و دیگر سران جنبش برای تصمیم نهایی در ژوئیه همانسال جلسه مشاوره ای در کومیش دغه ترتیب دادند. رهبران قیام بخوبی درک میکردند که تنها دلآوری و فداکاری برای بیکار با قوای حکومت کافی نمی باشد، می بایست بر فنون جنگی نیز آگاه بود. برای این منظور انقلابیون در کومیش دغه مدرسه ویژه نظامی دایر کرده از افسران ترک(ترکیه) قادر افندی، جمال بی، مهدی افندی، مصطفی بی، خدایار افندی، مراد بی، سلطان پاشا دعوت کردند که در آن مدرسه تدریس نمایند. پسر خان یوموت، لالی خان نیز در میان افسران معلم مدرسه بود و خود خان یوموت هم خیال داشت به کومیش دغه بیاید. انقلابیون ترکمن توسط افسران ترک با ترکیه که نمایندگان جمهوری ترکمنستان جنوبی بدانجا فرستاده شده بود ارتباط برقرار ساختند. در این میان حکومت مرکزی با صدور اعلامیه های مختلف سعی در تطمیع سران جنبش و فروکش ساختن آتش قیام را داشت. آزاد ساختن زندانیان ترکمن از آنجمله شامی خان گوگنگ از جمله اقدامات اقدامات حکومت برای ایجاد روحیه سازش در میان ترکمنها بود.

در ایام حکومت اردلان در استراباد، رضا خان بدانجا آمده منطقه را مورد بررسی قرار داد. وی پس از مراجعت به تهران به سرتیپ زاهدی فرمانده تیپ شمال /رشت دستور جمع آوری اسلحه ترکمنها را میدهد. بدنبال آن سرگرد حکیمی فرمانده قشون استراباد به رشت احضار و پس از گرفتن اختیارات لازم

بقیه در ص ۴

زمینه های قیام ۱۹۲۵-۱۹۲۴ بدنبال کودتای فوریه ۱۹۲۱/سرم اسفند ۱۲۹۹ش و تشکیل کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی موسوم به کابینه سیاه، رضاخان بعنوان وزیر جنگ منصوب گردید. وی در آغاز سال ۱۹۲۲ یک ارتش واحد چهل هزار نفری را تشکیل داده سراسر کشور به شش حوزه نظامی تقسیم گردید. پس از سرکوبی جنبش شیخ خزعل در خوزستان، رضاخان بمنظور مطیع ساختن ترکمنها و کردهای شمال خراسان، فرماندهان نظامی خود را بسیج نمود. هنگ سواره نظام دولت در ژانویه ۱۹۲۴ از راه شاهرود بحرکت در آمد و در ۷ ژانویه همانسال قوایی نیز از مشهد عازم منطقه گردید.

حکومت مرکزی پاپای فشار نظامی از ایجاد دسیسه و نیرنگهای سیاسی بمنظور ایجاد روحیه یأس نیز غافل نبود. اردلان خان حاکم وقت استراباد رهبر ترکمنهای کومیش دغه آتا حان و سوارانش را بمنظور مذاکره به شهر دعوت نمود. حاکم پس از مشاجره لفظی که بوی توطئه میداد، مذاکره قطع و آتا حان راهی کومیش دغه میگردد غافل از اینکه تفنگداران حاکم در اطراف روستای شاه دغه به کمین آنان نشسته بود. به این ترتیب آتا حان و یارانش بطور ناچارمردانه بقتل میرسند. این امر سبب بروز هیجان عمومی بین ترکمنها گشته، آنان بسرعت مسلح میگرددند. رهبری ترکمنهای جافاربابی با عثمان آخون، نفس سردار و حاجی محمد پانگ بود، آتابای هارا گوگی صوفی و موسی حان و گوگنها را قلیچ ایشان، الله یار حان، قیسیر امن حان رهبری میکرد. افرادی همچون رجب آخون، آرازقریبان حان (آریق-کل)، ایمانقرلی جزگکان، حوجه نیاز حان قاراینجیک، عزیز حوجه و اسن حان کلتنه نیز نقشهای تعیین کننده در جنبش داشتند.

در مه ۱۹۲۴ گامهای قطعی تری برای مطیع ساختن ترکمنها برداشته شد. هدف عمده حکومت خلع سلاح، جمع آوری مالیات و بطورکلی کنترل ترکمنستان بود. در ۲۰ مه سران جنبش در روستای ارمجالی گرد آمده اولتیماتوم تهران را قاطعانه رد کرده، جمهوری مستقل ترکمنستان را اعلام می نمایند. شرکت کنندگان کنگره ارمجالی با اکثریت مطلق آرا عثمان آخون را به ریاست جمهوری انتخاب کرده، طبق سنت ترکمن وی را در نمود سفیدی نشانده سه بار دور بنای گنبدقاپوس میگرددانند. عثمان آخون در بخارا تحصیل کرده و از نزدیک با انقلابیون آنجا در ارتباط بود و از تجربیات خویش در ایجاد جمهوری مستقل ترکمنستان بهره میجست. وی با رهبر جمهوری ترکیه آتا تورک و میرزا کوچک خان در ارتباط بود. یکبار که میرزا زخمی شده بود، وی جهت معالجه به کومیش دغه آمده از کمکهای عثمان آخون بهره مند گشت.

اعلام جمهوری ترکمنستان جنوبی در مطبوعات داخلی و خارجی بسرعت انعکاس یافت. "گرمان" نماینده کمیساریای خلقی امور

مقام محترم رئیس جمهوری ترکمنستان

مسلماً مستحضر هستید که در تاریخ ۹/۰۴/۱۹۹۷ در ساعت ۱۷/۳۰ روز چهارشنبه، در پایتخت ترکمنستان به جان رهبر ملی-مذهبی ترکمنهای ایران آخرین ارزشش، در خانه شخصی وی سوءقصدی نافرجام صورت گرفته است. این سوء قصد هرچند بدست شخصی بنام محمدنور و با همکاری جنایتکار دیگری بنام قوتلی انجام پذیرفته است، اما سرخ این جنایت هولناک، طبق معمول همانند دیگر ترورهای مشابهی که در نقاط مختلف دنیا از طرف رژیم اسلامی ایران صورت گرفته است، در دست این رژیم جنایتکار و ملت کش می باشد.

شتاب گرفتن ترور رهبران ملی و سنی مذهب دیگرمل ساکن ایران در یکی دو ساله اخیر، همانند علامه مفتی زاده، دکتر ضیائی، دکتر صیاد، مرلوی عبدالملک مولازاده، مرلوی عبدالعزیز کاظمی، عدی و... بدست آدمکشان حرفه ای رژیم اسلامی ایران، همراه با ترور همیشگی رهبران و فعالین سیاسی اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور از بدو انقلاب اسلامی ایران تا به امروز مؤید نظر فوق میباشد.

اقدام به ترور آخرین ارزشش، متأسفانه درست مقارن با محکومیت و رسوائی جهانی رهبران رژیم اسلامی ایران، از جمله خامنه ای، رفسنجانی و رئیس امنیت ملاحی ایران، در دادگاه برلین بخاطر صدور فرمان ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در سال ۱۹۹۲ میباشد. بدنبال محکومیت رهبران تروریست ایران در این دادگاه و محکومیت عوامل مستقیم این ترور به حبسهای ابد و زندانهای طویل المدت، تمامی کشورهای عضو جامعه اروپا بخاطر محکومیت تروریسم دولتی ملاحی حاکم در ایران و بخاطر نقض مکرر قوانین بین المللی از طرف این دولت، سفرای خود را از ایران فراخوانده اند. تقارن ترور نافرجام آخرین ارزشش در چنین شرایطی، بار دیگر عدم بی خبری و یا بی تفاوتی مأمورین امنیتی ترکمنستان از جریانات جهانی و عدم هوشیاری آنها از ترطه های دشمنان دوست نمای کشور شما و بالنتیجه عدم تأمین امنیت جان پناهندگان سیاسی در خاک ترکمنستان را بار دیگر به اثبات رسانیده است.

آقای رئیس جمهور!

همانگونه که آگاهید، دولت ترکمنستان هنوز پرونده مربوط به ناپدید شدن بیش از ۱۵۰۰ تن از پناهندگان ترکمن در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۵ در خاک ترکمنستان و بویژه بخاطر شایعات قریب به یقین قتل عثمان آخون، اولین رئیس جمهور ترکمنستان ایران بعد از آن سالها در شهر عشق آباد را افشا و حقیقت را بازگو نکرده است.

اگر دیروز، پناهندگان ترکمن در خاک ترکمنستان از طرف مأمورین امنیتی استالین، با همکاری دژخیمان محلی آنها، بخاطر منافع روسیه و تعقیب اهداف معامله گرانه حزب کمونیست شوروی سابق با رضاشاه، جلاد ترکمنهای ایران، ناپدید و یا به قتل رسانیده شده و از این طریق حرمت خاک ترکمنستان زیر پا گذاشته میشد، امروز در دوران

زاماداری شما، این بی حرمتی به سرزمین و به قوانین ترکمنستان، از طرف رژیم اسلامی ایران در حال شکل گیری است. دلیل این امر نیز بخاطر سیاست مامشات دولت شما با رژیم ایران، بعنوان تبهکارترین رژیم در جهان، آزادی عمل بی حد و حصر جاسوسان و آدمکشان حرفه ای این رژیم تحت پوشش دیپلمات، تاجر، توریست، هیئت های به اصطلاح علمی و حتی مبلغین مذهبی آنها در خاک ترکمنستان است.

آقای رئیس جمهور!

وجود پناهندگان سیاسی ترکمنهای ایران، تاکنون از طرف ارگانهای مربوطه کشور ترکمنستان کتمان شده و میشود. این مسئله از یکسو، نقض بی سابقه حقوق پناهندگی سیاسی و عدول کشور ترکمنستان از قوانین پذیرفته شده پناهندگی در سطح بین المللی، بویژه از منشور ۱۹۵۹ ژنو را کاملاً فراهم آورده و شرایطی غیرقابل تحمل برای پناهندگان در خاک ترکمنستان بوجود آورده است. پناهندگان سیاسی ترکمن در کشور شما، نه تنها از هیچگونه کمک و مزایای شناخته شده در جهان برای خود، برخوردار نیستند، بلکه انسانهایی درجه دوم بحساب می آیند که فاقد هر نوع هویت شخصی بوده و هنوز نیز پاسپورت بی شهرتند! حزب کمونیست سابق شوروی که مخصوص تبهکاران این کشور بوده است، به آنها داده میشود.

از سوی دیگر، سیاست کتمان و مخفی سازی وجود پناهندگان سیاسی از انظار سازمانهای مربوطه در جهان، بهترین شرایط را برای شکار بی سروسدای این پناهندگان، از طرف جنایتکاران حرفه ای رژیم تروریست اسلامی ایران، فراهم آورده است. سر آغاز این مسئله نیز سوء قصد نافرجام به جان آقای آخوند ارزشش، رهبر ملی-مذهبی ترکمنهای ایران، در روز روشن و در کمال آرامش خاطر جانیان از عدم هوشیاری ارگانهای امنیتی شما و در خانه شخصی خود می باشد.

آقای رئیس جمهور!

ما، از شخص شما بعنوان اولین رئیس جمهور کشور نو استقلال ترکمنستان، خواستار آنیم که به مسئله ترور نافرجام رهبر ملی-مذهبی ترکمنهای ایران، یعنی آقای ارزشش، بدون دخالت دادن روابط گسترده اقتصادی و سیاسی دولت خود با رژیم آدمکش اسلامی ایران، در یک دادگاه علنی و صالح و با حضور وکلای اختیاری فرد مورد سوء قصد از ترکمنستان و یا خارج از این کشور، صورت پذیرد.

ما از شخص شما، خواستار تأمین امنیت جانی تمامی پناهندگان سیاسی در خاک ترکمنستان و اعطای حقوق کامل پناهندگی به آنها مطابق با منشور ۱۹۵۹ ژنو، تحت نظر کمیته پناهندگان سیاسی سازمان ملل متحد هستیم.

با احترام: **کانون فرهنگی- سیاسی خلق ترکمن ایران**

1997.04.11

جنبش جمهوریخواهی ...

مراجعت کرده بوسیله برخی از ترکمنهای تسلیم طلب خبر هجوم قریب الوقوع ارتش را در ترکمنستان منتشر میسازد. در فوریه ۱۹۲۵ چهارستون مجهز نظامی به قصد اشغال ترکمنستان بحرکت در می آید. ستون اول بفرماندهی سرتیپ زاهدی، ستون دوم بفرماندهی سرهنگ حکیمی، ستون سوم بفرماندهی سرهنگ جهانبانی و ستون چهارم را جان محمد خان فرمانده لشکر خراسان مشهور به قصاب خلق ترکمن عهده دار میشود. سرگرد منوچهر امیرپاشایی فرمانده آسوران که برای اکتشاف منطقه حرکت کرده برد پس از ۹ ساعت زد و خورد راه را برای ستون دوم جهت رسیدن به آق قالا باز میکند. شمار سپاهیان اعزامی نزدیک به ۴ هزار نفر بود، افزون بر آن خانهای کرد قوچان نیز تعهد کرده بودند که ۲۵۰ سوار مسلح بیاری قوای مرکز بفرستند. هواپیماهای حکومت هر روز بخشهای تمرکز انقلابیون را بمباران میکرد. در روزنامه های تهران اینگونه اخبار منتشر میشد: در جبهه استراباد سپاهیان ما موفقیتهای بزرگی بدست آوردند، ترکمنها جایی برای فرار ندارند هر کجا بروند با آتش توپخانه و مسلسل مواجه میشوند. سپاهیان ما اجازه نمی دهند که آنها بسوی دریا بگریزند. هواپیماهای ما آنها را بمباران میکنند. روزنامه انگلیسی تایمز این خبر را تأیید کرده نوشت: در هواپیمای مدل یونکرز که ترکمنها پیش از این ندیده بودند جوش و خروش زیادی در میان اهالی ایجاد کرد. خلبانان جنگی آلمانی در بمباران منطقه شرکت جستند. آنها در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۲۵ بار دیگر ۲۳ بمب بر سر اهالی فرو ریختند. روزنامه تایمز در پنجم ژوئن ۱۹۲۵ از کشته شدن بیش از سی نفر ترکمن در جریان بمباران دوشنبه خبر داد.

رهبران قیام باردیگر پیشنهادات خویش را مبنی بر خارج کردن قوای دولتی از سرزمین ترکمنستان و پذیرش جمهوری ترکمنستان و آنگاه آتش بس را تسلیم مقامات حکومتی کردند. در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۵ انقلابیون به ابتکار عثمان آحون دومین کنگره عمومی خویش را در روستای باش یوسفا برگزار کردند. فرماندهی نیروهای مرکز از دادن جواب صریح به ترکمنها ظفره رفته از تاکتیک بردارازا کشیدن زمان استفاده میکردند تا نیروهای خود را برای حمله نهایی آماده سازند. قشون تحت امر زاهدی در بدر عملیات در بندرگز اطراق نموده از شرایط اوضاع اطلاعات لازمه را کسب می نماید و بدنبال آن عملیات نظامی را آغاز میکند. نخستین نقطه تهاجم این ستون حوجه نفس بوده که فرمانده عملیات این ستون با سرهنگ ابراهیم ضرابی بود. هدف وی ضربه زدن به نقطه تجمع ترکمنهای روستای ساللاخ بود. محافظان روستا با استفاده از فرصت اطراف روستا را سنگر بندی نموده خندق حفر میکنند. جنگ در این منطقه سبب کشته شدن تعداد زیادی از سربازان ایرانی را بدنبال آورد. بالاخره ارتش وارد روستا گشته آنجا را به آتش میکشد. پس از فتح!! نام روستا به بصیر آباد! (لقب سرتیپ زاهدی که بصیر دیوان بود) تغییر داده میشود.

ستون چهارم بفرماندهی جان محمد خان-فرزند علاءالدوله- از طریق بجنورد به ناحیه گرکلان نشین وارد و از آنجا راهی گنبد قابوس گردید.

ستون سوم نیز در این هنگام به گنبد رسیده بود. جان محمد خان در سفاکی و قسی القلب بودن شهره عام بود وی حتی به قسمی که خود به قران خورده بود تا از کشتار اهالی صرف نظر نماید نیز اعتسای ننموده، پس از تسلیم اهالی با وحشیگری تمام آنانرا بقتل رسانید.

ترکمنها برای بازداشتن حمله سپاهیان مرکز سه یگان بزرگ تشکیل دادند. جافاریبایها ۲ هزار سوار بسرکردگی نفس سردار، آتابایها ۲ هزار سوار بفرماندهی گوکی صوفی، گوکلنبا ۵۰۰ نفر بسرکردگی الله یار حان آماده ساختند. قوای مرکز پس از تصرف کومیش دغه، آق قالا و گنبدقابوس تا اندازه ای توانست جلوی عملیات ترکمنها را بگیرد. گروه زیادی از ترکمنها ضمن عقب نشینی تلفات سنگینی به قوای دولتی وارد ساختند. بخشی از ترکمنها بسرکردگی عثمان آحون، گوکی صوفی، الله یار حان و لالی حان بخاک ترکمنستان شمالی وارد شده توسط قوای مرزبانی شوروی بازداشت شدند. بخشی دیگر بسرکردگی نفس سردار به منطقه سونگی داغی واپس نشستند و امیدوار بودند که نیروهای جنگی خود را برای مبارزات آینده حفظ نمایند.

تا پیش از اشغال بخش شمالی ترکمنستان توسط روسها، ترکمنها در زد و خورد با قوای دولتی می توانستند تا کوههای بالقان مانور داده، از تاکتیک عقب نشینی استفاده میکردند ولی پس از کنترل این مناطق توسط روسها و همکاری آنان با حکومت ایران در از بین بردن مبارزات ملت ترکمن، در این مقطع انقلابیون نتوانستند از این تاکتیک استفاده نمایند. آنان بناچار در دشتهای باز با قوای دولتی درگیر میشوند. سرلشکر حسین ارفع رئیس وقت ستاد کل ارتش ایران بعدها در خاطرات خود تحت عنوان حکومت پنج پادشاه (پزبان انگلیسی، منتشره در لندن ۱۹۶۴) مینویسد: پس از حمله قوای ما سرزمین ترکمن عملاً خالی از سکنه گردید، وقتی از یک تپه مرزی بخاک روسیه نظر انداختم تعداد بسیاری چادر دیدم که احشام بشماری آنها را احاطه کرده بود، اینان یوموتیهایی بودند که از ایران گریخته بودند.

پس از سرکوبی قیام جمهوریخواهی ترکمنها، سرهنگ حکیمی به فرمانداری نظامی استراباد و دشت منصوب و در منطقه حکومت نظامی اعلام نمود. ورود و خروج اهالی منوط بداشتن اجازه مخصوص از فرماندار نظامی بود. عملیات سرکوبی ضربه سنگینی بر ملت ترکمن وارد ساخت. حکومت مالیاتهای سنگینی وضع نمود، فارسیزه کردن اجباری و گسترش سیاست آسیملاسیون بطور عیان رواج یافت، تمامی مدارس و مکاتبی که بزبان ترکمنی تدریس میکرد بسته شده بجای آن مدارس فارسی زبان تحصیل گردید. مقامات حکومتی میکوشیدند هرگونه حتی کوچکترین جلوه آگاهی ملی را سرکوب کنند. به ترکمنها اجازه نمی دادند لباس ملی خویش را بر تن نمایند. رواج بیگاری برای کارهای دولتی شدت یافت. بسیاری از فرزندان ترکمن دسته-دسته اعدام شدند. بورجاق کلته، کوچک کور، روم رومی و ... از آن گروه شهیدان هستند که نامشان تا ابد در خاطره ها زنده خواهد ماند.

آقمیرات گورگنلی

به گردانندگان نشریه " گنگش " با سلام!

به خلقمان هستیم، قبل از همه باید خودمانرا آموزش دهیم که راه متخذه مان مطابق با نیازها و آماجهای خلقمان نه در شرایط گذشته، بلکه در شرایط امروز باشد.

چند نکته هم میخواستم پیرامون مصوبه نشست اخیرتان طرح نمایم. آنچه که بر می آید جمع بندی مصوبه اخیرتان را در مجمرع انتشار یک نشریه عبارت می سازد. بدون اینکه روشن شود مضمون این نشریه چه چهارچوبی را برخواهد گرفت. نکته دیگر اینکه شما آماج اساسی خویش را تشکیل کننده سراسری ترکمنهای خارج از کشور" اعلام نمودید، که این شعار مرا قبل از همه به یاد شعار "پیش بسوی کنفرانس سراسری" مطرح در نشریه "ایل گریجی" می اندازد که واقف هستید با همه تلاشی که در راه تحقق آن بعمل آمد، متأسفانه در چهارچوب بی اعتمادیها و انگ زدنها و بی حمایتی از یک طرف و بلند پروازانه بودن شعار فوق از سوی دیگر "رو دست طراحانش" ماند و فراموش شد. ولی همانطور که واقف هستید، تشکیل یک حزب، اجتماع و یا یک نهاد سیاسی به هیچ وجه نمی تواند آماج اساسی باشد، بلکه افراد و گروهها از آنجیت خود را متشکل می نمایند که در جهت دستیابی به یک هدف معین و عالی مبارزه نمایند. با هدف غایی قرار دادن این کنگره، در واقع شما در تلاش دست یافتن به یک اهرم خیالی هستید و می توانم بنا به تجربه خودم اظهار دارم که نه تنها به این هدف و اساساً به هیچ هدف دیگری در این چهارچوب تا مادام که با توده های مردم و منافع آنان پیوندی نزدیک نداشته باشیم نمی توان دست یافت.

امروز چه تجربه ما در گذشته و چه تجربه دیگر انقلابات و حرکتها در کشورهای دیگر بر این امر مسلم تأکید مینماید که شرکت آگاهانه و نه احساساتی توده ها از مهمترین عناصر دوام و پایداری هر انقلابی است. در چهارچوب این آگاهیها، عنصر سیاسی نقطه اوج آنسرا عبارت مینماید، در واقع اگر بتوان درجه آگاهی خلقی را بدان حد رساند که نسبتاً بتواند از نقطه نظر سیاسی حقوق خود را تشخیص دهد، در آنصورت می توان به نیروی لایزال آن امید بست. دستیابی به این حد از آگاهی مستلزم عبور از گذرگاهها و سنگلاخ هایی است که عنصر روشنفکر باید تشخیص دهد چگونه و از چه راهها و متدهایی می توان بدان دست یافت. امروز بگمان من قبل از طرح مسائل سیاسی برای خلقمان، در وهله اول ما خودمان نیازمند فراگیری برخی مقرراتی هستیم که بدون آن نمی توانیم تداوم این روند را تضمین نموده، بدیگر سخن ما روشنفکران در مجموع و خلق ما بویژه هنوز خود را نمی شناسد و نمی داند که چه است. شما به هر عرصه از دستاوردهای خلقمان از ادبیات، تاریخ، زبان، موسیقی گرفته تا علم و هنر که انگشت بگذارید، خواهید دید که اطلاعات بسیار نازلی در این عرصه ها در دسترس خلقمان است و آنوقت ما از شعارهای قلمبه سلبیه "حق تعیین سرنوشت" و غیره و ذالک که فرستگها از آگاهی خلق ما بدور است سخن میرانیم. البته می توانید مدعی شوید که درصدد آموزش و انتقال این واقعیتها به خلق ترکمن هستید، ولی مطمئن شوید که این آماجها در واقعیتها را

اعلامیه ارسالی تان را دریافت نمودم، قبل از همه مایلیم از بابت ارسال آن تشکر نموده و جهت پیشبرد موثر کارهایتان برخی نکات را که ماحصل تجربه چندین ساله ام در این عرصه می باشد به عرضتان برسانم که امیدوارم موثر حاصل شود.

در رابطه با اعلامیه تان باید بگویم که اگر نمی گفتید اعلامیه مزبور در آگوست ۱۹۹۶ نوشته شده است، آدم فکر میکرد که اعلامیه سازمان چریکها و یا "کانون" در اوائل انقلاب دوباره خوانی میکند. مسائلی که در آن طرح شده به گمان من بخشاً واقعی هستند، ولی مسئله نه در بیان واقعیتها، بلکه کاربست ابزار و مسائلی است که امکان میدهد راه رسیدن به اهداف هموار گردند. من از جزئیات بحث و استدلالات شرکت کنندگان در این جلسه اطلاعی ندارم ولی آنچه که در اعلامیه مزبور بر مبنای بحث و فحوص های شما بعنوان خط مشی مورد تصویب قرار گرفته، اگر جسارت نباشد باید بگویم تجربه شکست خورده ایست که نیروهای سیاسی ترکمن بارها و بارها آنرا آزمودند و ره بجایی نبردند. البته نمی خواهم روی علل این ناکامیها بپردازم که خود مبحث جداگانه- ایست ولی با طرح این نکته میخواستم توجه شما را باین نکته جلب کنم که چگونه می خواهید از خطاهای سابق درس بگیرید در عین حال که همان خطاها را دوباره مرتکب میشوید؟ من همه نگرانیم از آنستکه مبدا شما هم زیر پرچم "تورکمنچیلیک" دچار همان خطای اتویستی شوید که سالها گریبانگیر نیروهای سیاسی ترکمن بود. امروز من فکر میکنم باید قبل از همه تکلیف خود را با خود روشن نمود، در واقع باید روشن نمود که برای خدمت به خلق اولاً ما در چه موضع و شرایطی قرار داریم و ثانیاً موقعیت خلق از هر لحاظ چگونه است. اگر بتوان پاسخ واقعی به این دو سوال یافت، در آن صورت میتوان امیدوار بود که ابزار و متدهای متخذه میتوانند در خدمت دستیابی به اهدافمان باشند. مهمترین عنصر و در واقع مرکزی ترین نکته ایکه تمامی سیاست ها را تحت الشعاع خود قرار میدهد، ایجاد پیوندی ارگانیک با توده هاست. اگر بتوان این امر را مادیت بخشید، در آنصورت میتوان ادعا نمود که انرژی صرف شده در مسیری درست قرار دارد.

ما متأسفانه امروز با واقعیتهایی روبرو هستیم که اگر در سالهای پس از انقلاب بر آنان واقف بودیم، می توانست روند انقلاب در ترکمن صحرا بطور دیگری پیش رود. ولی ما نه در توان بررسی این شرایط بودیم و نه سیاستهای دکماتیک حاکم بر ما اجازه میداد که سیاستهای متخذه مانرا مطابق توان مردم ترکمن صحرا پیش بریم. امروز جلوگیری از تکرار خطاهای گذشته، به معنای داشتن تصویری واقعی از سیاستهای رژیم ج.ا. و وضعیت ترکمن صحرا و بویژه توان و موقعیت ما در مجموع است. امروز در شرایط خارج از کشور هیچ مشکلی نیست که چند نفر را گرد آورد و چیزی هم انتشار داد و عده ای را هم یافت که برای ما هورا بکشند و کف بزنند. ما روشنفکران ترکمن تجمع فشرده یک خلق منتها با ویژگی های خارج از کشوری هستیم و اگر واقعاً درصدد بهره گیری از تجارب ناکام گذشته و انتقال تجارب و اندیشه های مثبت

در چهارچوب نشریات زیبای خارج از کشوری و در انزوا از خلق
نمتران پیش برد.

Islemenem men

Ak-gara bolmasa, sarı gerekmez maña,
Täsibi yok iyleriň arı gerekmez maña,
Iyssız güliň tikenî-xarı gerekmez maña
Gül bolmasa bilbilîň,zarı gerekmez maña,
Wepası yok,ähdi yok, yarı islemenem men.

Içinde aş bolmasa, gazanı neylär men,
Sözleri hak bolmasa, yazanı neylär men,
Kada-kanunsız yerde, kazını neylär men,
Musibat-yashanada, sazını neylär men,
Guwrî-gurak baharî, yazı islemenem men.

Garıp-gamgîn hallarda, özümi beslemenem,
Sesime ses bermese, men onı islemenem,
Menden ayrı keip edip,gezdi dip peslemenem,
Soň gaydıp gül-de bolsa,men onı iysgamanam
Wepası yok, ähdi yok, yarı islemenem men.

Aalîň bilen arwaxîň, jîniň gerekmez maña,
Gum bolup diyrelmeli, janîň gerekmez maña
Dileg edip iymeli, naniň gerekmez maña,
Mıdam yalan sözleseň, çîniň gerekmez maña
Gedayçılıgı görkezen, dîni islemenem men.

Zulum bilen hoş bolup, diyn-diyanatîň näme?
Metjiytleriň boş bolup, azan-kamatîň näme?
Görüm-göreldeşizden, sıyn-deramatîň näme?
Huwi kemîn guş bolup, çeken tagatîň näme?
Yalan-yaşrik sözleyän, piri islemenem men.

Galkan Welleñi

الف. ایلی

نمی خواهم روده درازی کنم، بطور خلاصه می گویم که بگمان من
عمده کردن مسائل میاسی در شرایط حاضر بسیار زود و خطاست.
پیشبرد اینگونه سیاست می تواند به دوری از خلق بیانجامد. باید بجای
طرح و عمده کردن مسائل سیاسی که خلق ترکمن امروز بهیچ وجه توان
و شرایط پذیرایی آنها ندارد، بدنبال راههایی بود که بتواند نزدیکترین
پیوند را با خلق برقرار نماید. طرح این مسئله که ما میخواستیم 'مسائل
خلقمان را بگوش جهانیان برسانیم' بیراهه ایست که احساسات روشنفکری
ما را ارضاء میکند. پیشبرد این خط مشی فرار از واقعیت و ترجیه
وجود خود بعنوان یک ترکمن در خارج از کشور است، همان خطی که
ما نیروهای سیاسی در مجموع سالها آنها پیش بردیم، بدیگر سخن شما
زیر پرچم فرع مبارزه خود را برای رسیدن به اصل سازماندهی می
کنید.

بهرحال بگمان من برای شروع یک کار جدی انتشار یک نشریه
فرهنگی، اجتماعی، علمی و ادبی که در عین حال آنها میتوان به ایران
هم ارسال نمود، گام ارزشمندی میتواند باشد که از یکسو خلاء فقدان یک
نشریه را در ترکمن صحرا پر میکند و از سوی دیگر خلق امکان می
یابد که با مطالعه آن از تاریخ گذشته خود و دستاوردهایش آگاهی
جامعی کسب نماید. البته منظورم این نیست که نشریه را از کلمات
قصار و اشعار مخترمقی پرکنیم، بلکه در جرار آثار علمی و تحقیقی از
خط و زبان ترکمنی گرفته تا تاریخ و ادبیات و هنر که فکر میکنم به
اندازه کافی در خارج از کشور موجود است، می توان بطور مثال اگر
ضرورت ایجاد کند برای آگاهی خلغمان سیستم های سیاسی کشورهای
اروپایی و یا وضعیت اقلیتهای ملی و شکل مبارزه آنان در این کشورها
را نیز انعکاس داد. البته یقین دارم که برخی ها ارسال اینگونه نشریه
را بداخل غیرممکن و غیرعملی می دانند ولی جهت اطلاع این دوستان
باید بگویم که بهتر است به نشریات منتشره در ایران و مضامین آنان
نظری افکنده شود تا روشن شود که آنچه که مطرح میشود تنها باد هوا
نیست.

در خاتمه، با مسائلی که اینجا بطور مختصر طرح نمودم صادقانه با
شما برخورد کنم و با طرح آنان به هیچ وجه قصد تحقیر و یا توهین به
شماها را نداشته و ندارم. برای همگی تان در این ششمین تلاش
نیروهای ترکمن و راه ارزشمند و شرافتمندانه تان آرزوی موفقیت می
نمایم.

**“Magtimgulı köňle gaygı getirme, bu bir iys wagtıdır özüň yitirme,
Gepim diňlän yok diyip üm-süm oturma, jahan giyñdir, çendan bilende bardır.”**

Her yılıň May ayınıň 3-nji heptesi gündogarîň beyik filosofi, Türkmen halkınıň milli
şahiri **MAGTIMGULINIŇ** poeziya bayramçılıgıdır. Biz bu gutli seneden güyç alıp,
milli şahirimiziň öz nesillerine yadigar galdıran hazinasından pay almağı bütün iyl-
ulusimizä öneryäris.

اقدامی بزرگ اما... قسمت آخر:

آوری شده، معتبرترین و قابل اثبات ترین آنها را بعد از مطالعه فراوان، انتخاب و بعداً مقالات خود را برشته تحریر در میاورند. بهمین دلیل هر یک از مقالات این نشریه کاملاً مدلل و همیشه برای خواننده تازگی داشته و محتوای آموزنده‌ای در برداشته و از سطح کیفیتاً بالایی برخوردار بودند.

ثالثاً: هیئت تحریریه این نشریه کاملاً به وظایف خود آشنا بوده و به نحوه پیشبرد برنامه کانون فرهنگی سیاسی، کاملاً مسلط بودند. از اینرو، آنها هیچگونه مداخلات و گذشتی با کاستی‌ها و کمبودهای مقالات دریافتی از دستداران و یا اعضای تشکیلات خود نداشتند و حتی مقالاتی را غیرقابل چاپ دانسته و آنرا به نویسندگان اینگونه مقالات عودت میدادند. اما، در تمامی این مراحل مینا بر اقناع طرف گذاشته میشد و کتباً و یا شفاهاً به این نویسندگان، دلایل رد مقالات آنها توضیح داده میشد و این نیز خود گونه‌ای از آموزش مقاله نویسی برای این نویسندگان بود.

البته، غرض من در اینجا، مقایسه نشریه ترکمنستان ایران با نشریه شما نیست. زیرا، وظایف این دو نشریه کاملاً با یکدیگر متفاوت است. غرض من در اینجا مترجه ساختن شما دوستان به تجربه‌ای عینی از موفقیت نشریه ایست که دوستان ما در نشریه ترکمنستان ایران، بدان دست یافتند که برای همه کسانی که به اغراض سیاسی آورده نیستند آموزنده و قابل افتخار می باشد.

اما، در نشریه گنگش هیچیک از تجربیات فوق و هیچگونه اسلوب مربوط به امر روزنامه نگاری در آن دیده نمیشود. مقالات کاملاً خارج از حیطه اختیار هیئت تحریریه نشریه و بدون هیچ انگیزه و مناسبتی نوشته شده اند. مقالات مربوط به تاریخ سده اخیر جنبش ملت ترکمن تکرار مکررات، در شکلی ناقص و نارسا و بدون هیچ گونه مناسبتی می باشند. دوستان، شما باید توجه بکنید که تکرار مکرر و بی مناسبت مسئله ای هرچند مهم و توضیح مکرر و اوضحات، فقط به لوٹ شدن آن مسئله میانجامد و بس. از سوی دیگر عدم تسلط این مقاله نویسان به تاریخ معاصر ایران، به اشتباهات بزرگی منجر شده است که نمونه های آن در این شماره از نشریه شما بسیار بچشم میخورد. در یک جا شیخ خزل مرتجع معروف عرب در استان خوزستان، مبارزی ملی و مترقی قلمداد شده و مبارزات ملی ملت ترکمن در آغاز دوره سلطنت رضاخان، همدیف مبارزات این عنصر مرتجع قرار داده شده است!! در جای دیگر، مبارزه رهایی بخش ملی ملت ترکمن در آغاز سده اخیر در چهارچوب تنگ ایدئولوژی خاصی چپانیده شده و قیام ملی این ملت را در راستای استقرار سوسیالیسم قلمداد کرده اند!! و تمامی این قیامها را از اوائل سده اخیر تا به امروز، در سه جریان سوسیال دموکراسی، حزب توده و اکثریت خلاصه کرده و خصلت ملی را از این قیامها سلب و خصلتی ایدئولوژیک برای آن قائل شده اند!! شاید منظور نویسنده این مقاله رهبری قیام ملی ملت ترکمن در مقطعی بوسیله حزب توده و در مقطعی دیگر از طرف سازمان اکثریت باشد، اما جریان سوسیال دموکراسی نه تنها در ترکمنستان جنوبی وجود خارجی نداشته است، بلکه در خود ایران نیز همانند تعریف کلاسیک آن از جریان در دنیا، وجود

اما، در مورد مضمون نشریه گنگش بدون در نظر داشت اغلاط املایی و انشایی بسیاری از مقالات آن و بدون در نظر گرفتن اشتباهات آن حتی در نحوه صفحه بندی نشریه، باید متأسفانه عرض بکنم که مقالات اولین شماره نشریه شما، فاقد محتوا و تکرار بسیار ضعیف مکررات و حتی اشتباهات مضمونی فاحشی میباشد. من نمی دانم که چرا هیئت تحریریه نشریه بخاطر ترس از کلمه "ناسور"، وظایف خود را بفراموشی سپرده و دموکراسی در نشریه را به آنارشی در آن کشانیده و بدون هیچگونه تصحیح گرامری و مضمونی و یا توضیحی، تمامی مقالات رسیده را تمام و کمال بچاپ رسانیده است؟

دوستان عزیز، هیئت تحریریه یک نشریه، صرفاً یک چاپخانه بی مسئولیت و یا تأمین کننده بلندگویی برای اراجیف گریان و مقاله نویسان بی مسئولیت نیست. هیئت تحریریه نشریه، مقالاتی را که در جهت اهداف و برنامه های نشریه "گنگش" نوشته میشوند و اصولاً تمامی مطالب رسیده را باید کنترل کرده، نه تنها سطح برخورد با آنها را بالا ببرد، بلکه در مورد لزوم می تواند مواردی را از این مقالات حذف و یا مواردی را به آنها بیافزاید. اما در هر مورد باید دلیل آنرا به نویسندگان مقالات کتباً و یا شفاهاً توضیح داده و از این طریق سطح نشریه را کیفیتاً ارتقاء بدهد.

دوستان گرامی! نشریه را بخاطر نشریه و یا صرفاً جهت بلند کردن صدای اعتراض خود علیه رژیم حتی چون رژیم اسلامی ایران، منتشر نمیکنند. زیرا هر صدایی میتواند صدای گوشخراش و ناهماهنگ با ارکستر اپوزیسیون دموکراتیک بوده و هارمونی این ارکستر را علیه رژیم بهم بزند. یک نشریه نوین اولاً: بخاطر ابراز مسئله ای جدید انتشار می یابد که در دیگر نشریات متعلق به اپوزیسیون، به هزار دلیل مختلف تاکنون ابراز نشده و نخواهد شد. ثانیاً، سطح این نشریه نوین نیز باید اگر بالاتر از نشریات موجود نباشد، نباید کمتر از آنها نیز باشد.

دوستان گرامی! حتماً بیاد دارید که در موقه انتشار دور اول نشریه ترکمنستان ایران، ارگان مرکزی کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن ایران، هیئت تحریریه این نشریه هرچند برای اولین بار در تاریخ مبارزاتی ملت ترکمن دست به انتشار نشریه ای مستقل و سیاسی میزد و از هیچگونه تجربه روزنامه نگاری درخور توجهی برخوردار نبودند، اما سطح برخورد این نشریه با مسائل آنقدر بالا و متین و با مسئولیت و در هر شماره آن آنقدر مطالب جدید نوشته میشد که هریک از آن برای هرکسی مطلبی نو و آموزشی جدید دربر داشت. درست بهمین خاطر نیز، این نشریه بزودی راه خود را در میان دیگر نشریات اپوزیسیون رژیم ایران باز کرده و جایگاه شایسته ای در میان آنها پیدا نمود

من بعنوان یکی از هواداران این نشریه، رمز موفقیت هیئت تحریریه این نشریه را در این میدانم که اولاً: حرکت آنها از قبل پخته شده و چندین سال قبل از آغاز انتشار این نشریه، اهداف و خط مشی آنها کاملاً تدوین شده بود. بنابراین آنها فاز اول حرکت با برنامه خود را از لابلای صدها مشکل، با موفقیت به پیش بردند. ثانیاً: هیئت تحریریه نشریه ترکمنستان ایران که گاهاً من نیز از نزدیک شاهد نحوه فعالیت آن بودم، برای نوشتن هر مقاله ای از میان ده ها و صدها فاکت جمع

اقدامی بزرگ ...

چاپ مقاله فوق، بدون مقدمه و بدون هر نوع توضیحی از طرف شما در استان گرامی، شاید در اذعان بسیاری از خوانندگان نشریه تان، توافق ضمنی شما با خط استحاله رژیم اسلامی ایران حزب توده و سازمان اکثریت را تداعی سازد. بنابراین از همان ابتدای کار، نباید با کم تجربگی برجسب آلودگی به خطوط فکری جریانات ناسالم در ایران را بر خود بچسبائید.

من در اینجا، به ذکر بعضی انتقادات بسته می‌کنم. زیرا بقرل معروف "عاقلان را اشارتی بس است" و امیدوارم که در استان منظور مرا از انتقادات فوب، نه در جهت تخریب اقدام خود، بلکه در جهت رشد و بالندگی آن و کمک به زردن هر آنچه که با روح صداقت و آگاهی مغایرت دارد، درک بکنند. در خاتمه برای در استان آرزوی موفقیت در این اقدام ملی و میهنی را کرده و امیدوارم که طیف هر چه وسیعتری از روشنفکران و آزادیخواهان ترکمن به عمق اقدام شماها هر چه بیشتر پی برده و میزان همکاری و همیاری آنها با شما روز بروز افزایش یابد.

تورائلی

"GENEŞ", Eyranda geçiriljek
presidentlik saylawı, halkımızıñ
bähbidine ters gelyäni üçin baykot edär.
Bu yasama saylawda, yurdiñ Sünni
mezhepli halkarı presidentlige kandidat
görkezip bilmeyärler. Sebäp Eyranıñ
ana yasadınıñ 115-nji maddasında
president şayı mezhepli bolmalı diyilip
bildirilipdir. Bu häkimiyet, pars şaunısım
siyastı astında ezilen halklarıñ,
garşısına bu yawuz politikanı barha
güýçlendiriyär.

گنگش"، انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری ایران را بخاطر مغایر بودن آن با منافع ملی ملت ترکمن (برطبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی ج. اسلامی رئیس جمهور باید شیعه مذهب باشد) ، دفاع و تداوم سیاست ظالمانه شوونیزیم فارس علیه ملل غیر فارس ساکن ایران توسط حاکمیت جمهوری اسلامی بایکوت و تحریم می کند.

محسوسی نداشته است!! همانگونه که خود نویسنده این مقاله از اثبات رهبری جنبش ملی ملت ترکمن بوسیله جریان من در آردی سوسیال دمکراسی، در مانده است!! نویسنده مقاله، با توجه به عدم موفقیت این مبارزات "در راستای سوسیالیسم" و در چهارچوب ایدئولوژی "سوسیال دمکراسی" و چپ (!!!) به نتیجه گیری محترم خود، یعنی مبارزه و صف بندی علیه تمامی احزاب مرکزی از اولترا چپ گرفته تا راست افراطی" رسیده و علیه تمامی آنها شمشیر از نیام برکشیده است!!!

دیگری در سرمقاله نشریه، وظیفه عاجل خود را "در این برهه از شرایط پیچیده جهان و ایران آگاه ساختن توده های میلیونی به حقانیت امر کثیرالملله بودن کشور" خلاصه نموده است! در صورتیکه این توده های میلیونی که ملت ترکمن نیز جزو آنست و به همراه دیگر ملت های تحت ستم همانند ملت کرد، آذری، عرب، بلوچ، ارمنی، آسوری و... ستمی مظاعف را سالهاست بردوش میکشند، بخوبی آگاهند که ایران فعلی ته مانده ای از یک امپراطوری ورشکسته بیش نیست و امروزه این کله گریه طلائی باقیمانده از این امپراطوری وحشیاستکه که قتلگاه ملت های تحت ستم و جولانگاه شرونیستهای حاکم بر آن می باشد. این توده های میلیونی قبل از کشف کثیرالملله بودن کشور ایران" از طرف شما در استان، به آن پی برده و جهت احقاق حقوق ملی خود و زندگی برابرانه با ملت حاکم در آن، مبارزات خونینی را با دولت های مرکزی وقت تاکنون پیش برده اند!

دوستان گرامی! درد توده های میلیونی ما نه از نا آگاهی از کثیرالملله بودن کشور، بلکه درد آنها از وجود شرونیسم عظمی طلبانه، به همراه استبداد آسیایی ریشه دار در ایران برمیخیزد که در ادوار مختلف از طرف رژیم های توتالیتر و دیکتاتور در اشکال مختلف اعمال شده و مانع شکوفایی همه جانبه تمامی این ملت ها بوده اند. بنابراین ما در ایران نه با عدم آگاهی توده های میلیونی از کثیرالملله بودن کشور، بلکه با رژیم هایی به نیابت از طرف ملت فارس طرفیم که بهیچوجه نمی خواهد حقوق ملی ملت های تشکیل دهنده این امپراطوری ورشکسته را پذیرفته و به برابر حقوقی و اتحاد برابرانه آنها با ملت فارس گردن نهند.

در اولین شماره نشریه گنگش" مقاله ای سرو ته بریده از نشریه "آذربایجان سسی"، اقتباس و چاپ شده است که فاقد هرگونه مقدمه و یا توضیحی از طرف هیئت تحریریه نشریه می باشد. این مقاله که ظاهراً طرح برنامه ای برای استحاله رژیم به یک جمهوری دمکراتیک و فدراتیو است، به زعم نویسنده آن، قبول این طرح بعنوان یک آلترناتیو، درست نقطه مقابل ولایت فقیه و پیشبرد آن در بین مردم بیش از پیش شانس دگرگونی صلح آمیز حاکمیت فقها را افزایش میدهد!! این طرح برنامه متأسفانه چیزی نیست جز تکرار خط "استحاله تدریجی" حزب توده و سازمان اکثریت و احزاب مشابه آنها در یک نشریه آذری زبان!

اما، من فکر نمیکنم که نشریه گنگش" محلی برای تبلیغ خط حزب توده و اکثریت و محلی برای دادن "شانس" آنها "پیش از پیش" به "حاکمیت فقها"، جهت ادامه حاکمیت نکبت بار آن تحت پوشش "استحاله تدریجی" باشد!!

۱. گلی: نقدی بر کتاب "قصه زن ترکمن" نوشته افسانه نجم آبادی (۲)

در رابطه با مسئله غارت و غارتگری ملت ترکمن:

بگواه اکثر محققان داخلی و خارجی ظلم و ستمی که ترکمنها در نتیجه یورش وحشیانه حکومت‌های مرکزی-بریزه از دوران قاجار به اینسو- کشیدند بسیار شاق و غیرقابل تحمل بود، برخی از این جنایات در آثار و اسناد تاریخی عهد قاجار منعکس یافته است که چگرنه سران قاجار در اثر راهنمایی وزیران ضد ترک خویش قصد زدن تیشه بر ریشه ملت ترکمن داشتند. آنان بیشرمی را تا بدانجا رسانده که علاوه بر تاخت و تاز بر سر ترکمنهای اترک-گرگان، بر سر ترکمنهای آخال و قارری غالاً(قاری قلعه در متون فارسی) نیز یورش میبردند که خودتان نیز بدان اشاره کرده اید که چگرنه دسته-دسته ترکمنهایی را که در جنگ به اسارت گرفته میشد را بدون رعایت حال اسیری، دست و پا بسته در اختیار جلدان قرار میدادند که از خون آنان خیابانهای مشهد را رنگین سازند(ص ۶۱ کتابتان)

در نیمه دوم قرن نوزدهم همزمان با اشغال سراسر ترکستان از آنجمله سرزمین ترکمنها توسط تزاران روس، پادشاه ایران ناصرالدین شاه دست همکاری به روسها داده و از اینکه روسها در سرکوبی و اشغال خرنین سرزمین ترکمن سعی میکنند شادمانه تلگرام تبریک و ایچی ویژه به بطریبورگ روان میکند. گزارش این سفر بصورت نسخه خطی بشماره ۷۳۳ تحت عنوان "مفرنامه روسیه برای تبریک فتح گرک تپه" در کتابخانه ملی تهران نگهداری میشود. بپنگام وقوع جنگ گرک تپه میان ارتش روسیه بسرکردگی جلدی بنام ژنرال اسکریلف و ترکمنها درنوامبر-دسامبر ۱۸۸۱-۱۸۸۰ که منجر به کشته شدن بیش از سی هزار انسان بیدفاع گردید، اسکریلف طی نامه ای به سفیر روسیه در تهران و نیز ارسال پیام به حاکمان بجنورد و قوچان و تطلیع آنان به غارت اموال ترکمن انجام یورشهایی را از سوی خاک ایران خواستار میگردد. وی در نامه خویش بتاریخ ۲۰ ژوئن ۱۸۸۰ به سفیر روسیه در تهران می نویسد: "ما سرزمین ترکمن را تا ناحیه گرک تپه با خاک یکسان کردیم، اگر کردهای خراسان نواحی بین آسغابات(عشق آباد در متون فارسی) و گرک- تپه را مورد تهاجم قرار دهند زودتر به مقصد خواهیم رسید." گرودوکف- جنگ در ترکمنیه ترجمه از روسی. نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی تهران" و نیز نگاه کنید به

Expedition of Britain in Central asia. London 1885

در این کشتار وحشیانه سرکرده مهاجمان ایرانی کلنل ذوالفقارخان آنچنان جتایتی علیه ملت ترکمن انجام داد که قلم از بیان آن میلرزد، برای غارت دستبندها دستهای زنان ترکمن را از مچ بردند، گوشواره ها را با گوشه کنند و در نهایت نزدیک به ۵۵ هزار دختر جوان ترکمن را با خود بسوی ایران بردند. در این برهه البته ما نیز میتوانیم مدعی آن ۵۵ هزار دخترمان باشیم که توسط "غارتگران فارس" به بغما رفتند. یک محقق تاریخ هیجوقت جنایتی را که مثلاً فلان سرکرده قشون و یا خان انجام داده را بحساب تمامی آن ملت نمی گذارد. درست از همین زاویه است که خانم نجم آبادی، اقدامات "صائیق خان" و "شیخی خان" را نباید به

پای همه ترکمنها گذاشت و یک حکم کلی صادر کرد. این نوع طرز تفکر شما چیزی جز برانگیختن خصومت ملی میان ملل مختلف ساکن ایران نمی باشد.

اگر قدری از مسئله "غارتگری ترکمنی" بگذریم چندین مورد اشتباه فاحش در اثرتان وجود دارد، از آنجمله در ص ۸: "عشق آباد که تا سال ۱۸۸۱ جزئی از قلمرو دولت ایران بود اکنون با تعلق به دولت روسیه یادآور خاک از دست رفته ملی و نشانه ناتوانی و عجز دولت ایران شده بود".

می بینیم که شما علاوه بر روا داشتن تهمت غارتگری به ملت ما، قصد تصاحب سرزمینمان را نیز در سر می پرورانید. آخر نویسنده محترم، آیا هیچ دلیل و مدرکی می توانید ارائه نمائید که نشانگر تعلق سرزمین ترکمن به دولت ایران باشد. مورخین ایرانی در این باب کاملاً نعل وارونه می زنند، مثلاً آنان پارتها(اشکانیان) و یا سلجوقیان را گرفته اعلام می کنند چون آنان جزء سلسله های ایرانی هستند و بر سرزمین ترکمن نیز حکم رانندند لاجرم آنجا نیز جزئی از خاک ایران محسوب میشود، ولی این گروه هرگز نمی گویند که منشا این سلسله ها ترکمن هستند و این ترکمنها بودند که بر ایران حکومت رانندند. اگر امروزه ادعایی در کار باشد این ما ترکمنها هستیم که باید بر سرزمین مورد فتح پادشاهانمان ادعای ارض نماییم. اجداد ما نه تنها بر ایران و هند بلکه تا دجله و فرات فرمانروایی کردند ولی چون ملت ترکمن "رویی به سنگ پای قزوین" ندارند به اینگونه خزعجالت نمی یازند.

پادشاهان آزمند ایران هیجوقت جرئت نزدیک شدن به سرزمین توران را نداشتند. کوروش هخامنشی در یورش خود به ناحیه اورگنج(شهری در شمال ترکمنستان فعلی) بدست شاهزاده خانم ترکمن "تومار"(توماریس در منابع یونانی) سرش از تن جدا گردید، شکست رذیلته قشون چهل هزار نفری ناصرالدین شاه در حمله به ماری از دست عده ای ترکمن که نه سلاح جنگی کافی داشتند و نه سربازانی حرفه ای- تنها درایت سرکرده ترکمن "قاوشنت خان" و ایمان آنان در دفاع از سرزمینشان- سپاه عباس میرزا را بزانو درآورد. شاهزاده نشین های مستقل قفقاز در قرون ۱۷، ۱۸، ۱۹ میلادی مورد تهاجم ایران و روسیه قرار گرفت، هر یک از دول فوق بمنظور اشغال سرزمینهای فوق سپاهیان بیشمار بدانجا گسیل داشتند و در نهایت آتش جنگی خانمانسوز بین ایران و روسیه در گرفت که تنها با شکست ایران و انعقاد عهدنامه های گلستان و ترکمنچای و پرداخت غرامت جنگی از سوی ایران، شعله های جنگ فروکش نمود. اینک سالها پس از آن واقعه و اعلام استقلال آنها، هم پان ایرانیستهای ورشکسته، هم دار و دسته بنی صدر و هم برخی محافل حاکم در جمهوری اسلامی ندای "واحسرتا ۱۷ شهر قفقاز" سر میدهند. اگر این قبیل جریانات زور می داشتند بر سر تصرف مجدد افغانستان نیز سر و کله می شکستند.

ادامه دارد

A. Gürgenli :

Ene dilimizde yazmak bir milli göreşdir

Belli Dağıstan yazıjı **Resul Hemzäniñ** "Meniñ Dağıstanım" adlı eserinde şeyle setir bar: "2-nji jahan söweşinde Gafgaziyalı bir esger söweş esiri bolup, Fransiya düşyär. Aradan yıllar geçip, başga bir Gafgazlı nakgaş öz eserlerini sergilemek üçin Parise gityär. Sergä şol esir düşen adam hem gatnaşıp, nakgaş bilen tañşandan soñ, sag-aman gezip yörendigini öz ejesine bildirmek üçin ejesine salam-sowgat iyberyär. Nakgaş gelip onuñ ejesi bilen duşuşanda, enäniñ ilkinji soragı: "Oglum seniñ bilen haysi dilde gürlüşdi" bolyar. Nakgaş oña: "fransuz dilinde gürlüşdi" diyende, ejesi göwsini siyrip: "öz ene dilinde geplemedik bolsa, onuñ emen süydi halal bolmasın" diyär."

Hawa! Eger hakikatanam enemizden emen süydümizi halal etjek bolsak, ene dilimizde yazmalı. Bu bir milli göreşdir. Eyranda yaşyan türkmenler öz ene dilinde yazmaga imtilyarlar, yöne giynansagam köp halatlarda yazarlarmız ne güzel türkmen edebi eserlerini, meselem Türkmenistanda neşir bolan ertekileri pars diline terjime edip, Eyranda çap edyärler. Bu iş görämäge ziyani yok yalı, emme meselä çinlakay sıyn etseñ, munıñ diñe pars diliniñ ösmegine we bir yad edebiyata hizmat etmekden başga zat daldigini ańsa bolyar. Biz bu peläketçiligi tarih boyı görüp geldik, belli Seljuklı soltanlarıñ weziri Nezam el-molk, köşk dilini parlaşdırıp, bu diliñ yayramagina alıp geldi, Sefevitler we Gajarlarıñ döwri hem şeyle boldı.

Azerbayjanıñ görnükli yazarı Sa-edi bütün ömrünü pars dilinde yazıp, şaunistlarıñ edebiyatını ösdürmek yolunda azaplar çekdi, emma soñunda "pars dilini yagşı bilmeyän" adam hökmünde garalandı. Türk asıllı Ahmat Şamlu öz aslıni-türkleri- tarihni yüz garası diyip, ermenileriñ Vartanlarıni öwüp, onuñ Savakiñ giynag astında dil yarmandığı hakkında goşgular yazdı, emma bu adam! Azerileriñ mekteplerde parsça gürlüp bilmedikleri üçin el-ayaklarına gamçı urulşından kelim agız söz etmedi. Irza şanıñ döwründe Azerbayjanıñ okuw jaylarında yörüte sandıklar goylup, kim-kim yekeje söz öz ene dilinde geplese sandıga jerime zıfmalı edilipdi.

Ahmat Şamlu, Reza Beraheni, Simin Behbahani yalı görnükli türk asıllı yazıjı-şahırlarmız, öz milli dilleriniñ ene süydi kemin halaldığı we onı göz monjugı yalı gorap saklamalidigini bilmez yalı çaga daldirler. Olar ömür boyı keseki bir medeniyet we yad bir dile gulluk edip geldiler. Belki bular hem belli türk şahıri Şahriyar yalı eden işlerinden utanarlar. Şahriyar enesiniñ nesihatini alıp, ömrüniñ soñunda pars diline eden hizmatından puşman bolup, "Heyder babaya salam" diyen payamanı yazyar. Merhum Sa-edi ömür boyı pars dili we medeniyetiniñ ösmegi ugrunda janı-teni bilen alada etdi, emma yad ülkede aradan çikanda onuñ mazariniñ başında diñe öz soydaşları, Fransiyadki Azerbayjan medeni ojaklarıni agzaları gelip, onı soñki yola uzatdılar. Munı görüp, "aglasa enem aglar, galanı yalan aglar" diyen nakil yadıña düşyär.

Eyran rejiminiñ basgısı astında yaşyan biziñ türkmen yazıjılarınca elbette öz milli dillerinde yazıp bilmän gelyärler. Muña garamazdan edebiyat ugrunda alada edyän kabir yaş yigitler öz milli medeniyeti ugrunda hizmat edmegi pars diline gulluk etmek yolundan agtarıp, ne güzel türkmen edebi eserlerini pars diline terjime edip, türkmenleri bolsa öz ene dillerinde yazılan edebiyatdan mahrum edip gelyärler. Eger Eyran rejimi bular yalı edebi eserleriñ çap bolmagına rugsat beryän bolsa, näme üçin eseriñ türkmençesini çap etdirmeyär. Diymek, olarıñ esası duşmanı türkmen dilidir. Olar bile-bile bular yalı yaş yigitlerden peydalanıp, pars dili bilen türkmeniñ yaş nesliniñ aını zäherläp gelyärler. Türkmen edebiyatı ugrunda at çapdıranlar bolsa bilip ya-da bilmän bu siyasata gulluk edyärler. Yazarlarmız her nädip öz ene dilinde yazmaga çalışmalidirlar, milletimiziñ ösüş yoli diñe şondadır.

Sözümü jemläp ayıtsam, eger häkimiyetiñ senzuri öz ene dilimizde yazmaga rugsat bermeyän bolsa, onda in mukaddes göreşimiz pars şaunistlarıñ diline hizmat edmekden we bu dilde yazmaktan gaça durmaktır.



Goç yigide toydır bayram, her iş gelse iyl biläni. Magtimgüli

رویدادهای مهم تاریخی ماه مه

- مه ۱۹۱۵ - شورش عمومی ترکمنها علیه روسها و مخالفت آنان به دادن سرباز و نیرو به آنان در ایام جنگ جهانی اول.
- ۱۰ مه ۱۹۲۴ - اولتیماتوم حکومت تهران به مبارزین ترکمن جهت تسلیم و تحویل اسلحه.
- ۲۰ مه ۱۹۲۴ - کنگره سران ترکمن در روستای اومچالی، رد اولتیماتوم حکومت، اعلام جمهوری ترکمنستان جنوبی، انتخاب عثمان آحون بعنوان نخستین رئیس جمهور.
- ۱۲ مه ۱۹۲۵ - اعزام هواپیمای جنگی یونکرز جهت سرکوبی انقلابیون ترکمن توسط رژیم تهران.
- ۲۰ مه ۱۹۲۵ - دومین کنگره سراسری رهبران انقلابی ترکمن در کومیش دغه.
- مه ۱۹۲۶ - افتتاح کنگره بزرگ تورکولوگ ها در باکو و تصویب الفبای لاتین در تمامی جمهوریهای ترک زبان.
- مه ۱۹۳۰ - افتتاح دومین کنفرانس علمی بررسی زبان ترکمن در آشغابات توسط غایغیسیز آتابای.
- مه ۱۹۳۴ - بنیانگذاری اتحادیه نویسندگان ترکمن در جمهوری ترکمنستان.
- مه ۱۹۳۶ - برگزاری نخستین کنگره زبان ترکمن در آشغابات.
- مه ۱۹۴۰ - تغییر اجباری الفبای ترکمن از لاتین به کریل (روسی) به فرمان استالین.
- * افتتاح گمرک حصارچه بین ترکمنستان و ماراودغه.
- مه ۱۹۴۲ - تئاتر اپرا و باله ترکمنستان نخستین نمایشنامه ترکمنی بنام "آلدار کوئه" را بروی صحنه آورد.
- ۴ مه ۱۹۴۴ - فوت نویسنده بنام ترکمن بنام نورمراد ساریحانوف.
- ۹ مه ۱۹۴۵ - پایان جنگ جهانی دوم و نابودی فاشیسم هیتلری. در این جنگ نزدیک به یکصد هزار ترکمن قربانی جنگ شده، دهها ترکمن روانه اردوی کار اجباری شد.
- ۱۲ مه ۱۹۴۶ - متینگ گسترده ترکمنها در گنبدقابوس بحمايت از جنبش ملی آذربایجان، محاصره تظاهرکنندگان توسط ژاندارمهای مسلسل بدست، سخنرانی هیجان آمیز سافار انصاری.
- ۷ مه ۱۹۴۸ - تظاهرات اهالی بندرترکمن در اعتراض به گرانی نان.
- مه ۱۹۵۳ - افتتاح بخش ترکمنی رادیوی آزادی (آزاتلیق رادیوسی) در شهر مونیخ آلمان.
- ۷ مه ۱۹۵۷ - فوت خواننده بنام ترکمن مختومقلی قارلی در شهر داش حاویز.
- ۱۲ مه ۱۹۶۲ - رسیدن آب آبی دریا (جیحون) توسط کانال قاراقوم به آشغابات.
- ۳۱ مه ۱۹۶۲ - ورود سرلشکر مزین بعنوان نماینده مخصوص شاه در گرگان، گنبد و بجنورد. جنایات شدید مأمورین املاک و ژاندارماری در غصب زمینهای کشاورزی اهالی میوت Miyewüt، قیزیلجا پشمک، آتاآباد، پیراواش، حوجه لار گرکز و...
- ۲ مه ۱۹۷۱ - فوت شاعر انقلابی ترکمن قارا سئیتلی Gara Seyitli.
- ۲۴ مه ۱۹۷۹ - بخشنامه دولت بازرگان مبنی بر انحلال ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمنها.
- ۳۰ مه ۱۹۷۹ - گسترش وسیع شوراهای روستایی. بشهادت رسیدن ۳ تن از دهقانان روستای کوچک ناظراحانی توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی علی آباد.
- ۷ مه ۱۹۸۱ - شهادت صیاد، بردی مراد توماج بدست پاسداران گارد شیلان خزر.
- ۱۰ مه ۱۹۸۴ - برگزاری ۲۵۰-مین سالگرد شاعر ملی مختومقلی قراغی در آق توقای، مزاحمت شدید پاسداران مبنی بر برچیدن مراسم بزرگداشت.
- مه ۱۹۸۸ - تظاهرات جوانان آشغابات و نیت داغ علیه سیاستهای دولت و حاکمیت روسها.
- ۱۸ مه ۱۹۹۱ - برگزاری نخستین کنگره "اتحادیه انسانی ترکمنهای جهان" در آشغابات.
- * حمله سپاه پاسداران بندرترکمن به جشن عروسی و بقتل رساندن کارگر ترکمن الیاس ارازقلیچی.
- مه ۱۹۹۲ - فوت خواننده بنام ترکمن نوربردی قول.
- ۱۸ مه ۱۹۹۲ - تصویب قانون اساسی نوین ترکمنستان مستقل توسط پارلمان.

حاطلار/مکتوبلره جو غاب

دونیانینگ دوت کونجوندن بیزینگ آدرسیمیزه حاط/مکتوب گوندنن سویگی قارداشلارمیزا مینتداریق بیلدیریپ، اولاراء بیزینگ اوستونلیگمیزی آرزو ادنلتلر اوچین ساغ بولسون دییاریس.

پاریس-سایین شاعر قارداشیمیز م.ح. والسی: سیزین سویگی ایله گوندنن مکتوبنیزی آلدیق. سیزین "پاشاسین تورکمن-تورک آدری اولوسلنری نین بیرلیگی" دین قوتسال سوزونیز بیزیم-ده مقدس آماجیمیزدیر. گورگنلی قارداشیمیز ایچدن سیزدیریپ یازدیغینیز مکتوبین مضمونی ایله تانیس اولوپ، سیزه جانان مینتداریق ائلندیار.

سوند-حورماتلی دوغانمیز ه. ش: سیزینگ "گنگشی" گینگ موچبئرده یایراتماق اوغروندا ادیان آلاانگیز دوغوردانام قوتلاماغا میناسیپ. سیزه اوژ آلیپ باریان ایشلرنگیزده گون سایین باشارلار دیله یاریس.

ژاپن-سایین قارداشیمیز ش. بیز سیزین محبت ایله گوندردینیز مکتوبی اوخویپ، چوخ سوندیک. سیزلر هم وار اولون. سیزه دواملی نشریه گوندنریس.

سوند-حورماتلی قارداش ک: مکتوبنیزی آلدیق. بیزه گوسترنن محبت لئرنیز اوچین ساغ اولون. سیزین ایستگنیز اوزه ره نشریه میزدن گوندنریس. سویس-قادیرلی دوغانمیز ق. ب: یولان ماحرلی حاطینگیزی آلدیق. آخون آقا ارزانش حاقیندا ادنن آلاانگیز اوچین "آرماوری" دییاریس. بو یاد اولکه ده تورکمن مدنی اوچاغینی اساسلاندیریپ، میللتیمیزینگ آد-آبرایی اوچین آلیپ باریان ایشلرنگیزده گون سایین اگسیلمنر ینگیشلر آرزو ادیاریس.

سویس دأکی تورکمن مدنی اوچاغینگ آدرسی شئیله:

Turkmenischer Kulturverein in der Schweiz
Case Postale 483
CH- 1020 RENENS VD1 SCHWEIZ

آشغابات-قادیرلی ایلدش ح.ا سیزینگ قادیر ادیب
ایبئرئ حاطینگیز بیزی بیچاق بنگتندیردی. سیزینگ
یالی آکتیو دوغانمیزینگ باردیغینا بويسانیاریس.

بیزی مالیه تایدان قولدایان بوتین ایلدشلرمنز ساغ
بولسونلار. بیزینگ بارلیغیمیز دینگه سیزینگ
یارداملارینگیز بیلن ممکین.

GEÑEŞ, INTERNET-de: <http://www.informatik.umu.se/~svpv9628/gengesh.html>

خوانندگان گرامی!
با کمکهای مالی و معنوی خویش ما را در تداوم کارمان
حمایت نمایید. نشریه خونتائرا به دوستان و آشنایان
معرفی نماید.

Post adresimiz:
TÜRKMEN GEÑEŞI
BOX: 47064
402 58 GOTHENBURG SWEDEN

مقالات مندرج در "گنگش" صرفاً بیان نقطه نظرات
نویسندگان آن بوده و چاپ آن در نشریه بمعنای تأیید
دیدگاهها مطروحه در آن نمی باشد.
خوانندگان عزیز! در صورت امکان مقالات ارسالی تان
تایپ شده و حداکثر ۲ صفحه A4 باشد.
Türkmençe makalaları tayıp edip, ya-da düşünükli
hatda yazıp gönderiň.